



یادداشت»

• وحید شقاقی •

ضرورت سیاست زدایی از اقتصاد

اگر بخواهیم به صراحت در مورد مشکلات اقتصاد ایران -که در همایش هایی از قبیل همایش سیاست های پولی و چالش های نظام بانکداری و تولید به آن پرداخته می شود- صحبت کنیم، ریشه اصلی مسائل اقتصاد ایران به وابستگی به نفت و رانت های حاصل از آن بازمی گردد. از سال ۱۳۰۰ که نفت در ایران کشف و اقتصاد ایران به نفت وصل شد، این موضوع بر اقتصاد سایه انداخت. البته یک دوره کوتاه، یعنی در زمان دولت مصدق، اقتصاد ایران بدون نفت بود. از آن زمان تا کنون دهه هاست که اقتصاد کشور وابسته به نفت است. به ویژه از دهه ۵۰ هجری شمسی که قیمت نفت جهش کرد، سهم اقتصاد ایران از نفت افزایش پیدا کرد. این امر موجب ورود در آمد عظیمی از نفت به اقتصاد کشور شد که در دوران پهلوی دوم، تورم ۲۵ درصدی و بی سابقه را به کشور تحمیل کرد در حالی که پیش از این، نرخ تورم زیر پنج درصد بود. به عبارتی باید گفت از همان ابتدا درآمدهای حاصل از نفت، نشانه هایی از تورم معضل آفرین را آشکار کرد. تورم از نظر علمی حاصل درآمدهای مفت و افزایش ثروت هایی است که منبع تولیدی نداشته باشد. ماحصل اقتصاد وابسته به نفت، شکل گیری اقتصاد رانتی بود. حدود ۵۰ سال است که ما شاهد دولت رانتیر در کشور که مسبب ملت رانتیر به شده است، هستیم. در چنین اقتصادهایی معمولاً بین قدرت سیاسی و ثروت، یعنی بین نهاد خلق قدرت و خلق ثروت ارتباط نزدیکی ایجاد می شود. یعنی نظام بنگاهداری و کسب و کار که موجبات خلق ثروت را فراهم می کند با قدرت سیاسی ارتباطاتی برقرار می کند. قدرت سیاسی برای کسب ثروت، خود را به بنگاهداری نزدیک کرده و بنگاهداری هم برای کسب منافع، مجبور به هم صحبتی با قدرت سیاسی و همکاری با آن است. ماحصل این امر یک کاسه شدن قدرت و ثروت و تضعیف یا از بین رفتن بخش خصوصی واقعی در کشور است، حتی نهادهای شکل گرفته در بخش خصوصی هم به نحوی به مراکز قدرت وصل می شوند و نهادهای بخش خصوصی برآمده از سیاست افزایش پیدا می کند.

وقتی اقتصاد و سیاست مبتنی بر منافع نفتی با هم عجین می شوند، بنگاهداری و اقتصاد زمین می خورند. ماحصل تجمیع سیاست و ثروت فساد و رانت، عدم پاسخ گویی به مردم، عدم مسئولیت پذیری و عدم احساس نیاز به خلاقیت و نوآوری است. منابع نفتی جای سرمایه انسانی را می گیرد و قدرت سیاسی نیازی به بخش خصوصی مستقل ندارد. آنچه از بخش خصوصی شاهدیم وابسته به قدرت سیاسی بوده است. هر دو، یعنی قدرت و بخش خصوصی غیرواقعی برون آمده از درون قدرت، از ارتباط با هم منتفع می شوند. در مقابل ملت و طبقات ضعیف به شدت متضرر. حالا تحریم های نفتی و تضعیف ارتباط با کشورهای دیگر، آثار مخرب این همکاری ناسالم بین قدرت و ثروت را بروز داده است. درآمد نفت که عامل ارتباط و نزدیکی بین سیاست و اقتصاد است، کم شده و آرام آرام دعو و تش و جدال بین بخش خصوصی غیرواقعی و قدرت، خود را نشان می دهد. در این شرایط دولت از یک سو و طیف های قدرت اقتصادی، درگیر تنش شده و هر یک دیگری را مسبب و مقصر وضعیت کنونی می داند. بنگاهداری و بخش خصوصی رانتی ما هم تجربه ای از اقتصاد بدون نفت ندارد. بنابراین این تنش سیاست و ثروت به مرور پررنگ می شود و در قالب بخش نامه ها و قوانین ضلوعقیض خود را نشان می دهد. تنها چاره کار این است که دولت و بخش خصوصی نقطه ضعف ها و ایرادات خود را ببینند و در راستای اصلاح آن، قدم بردارند. شرایط اقتصاد ایران حالا بیش از هر برهه ای بحرانی است، تداوم تنش بین سیاست و اقتصاد، نتیجه خوشایندی ندارد. به نفع هر دو طرف است که از اینابست دانش و تجربه استفاده کنند و به خاطر منافع عمومی تن به شفافیت بدهد.

جامعه شناس

حذف ایران از بازار نفت غیر ممکن است

دیپرکل سازمان کشورهای صادرکننده نفت (اوپک) حذف نفت ایران از بازار را غیر ممکن دانست و گفت: «در خصوص مسئله تحریم ایران و حق قانونی این کشور برای فروش نفت در سطح وزارت و دبیرخانه اوپک گفت و گوهایی داریم تا راهکارهای ممکن را بررسی کنیم.» به گزارش «مهر»، محمد بارکیندو، دبیرکل سازمان کشورهای صادرکننده نفت (اوپک) در نشست با همتای ایرانی اش و در پاسخ به این پرسش که دو عضو اوپک ادعای جایگزینی نفت ایران را کرده اند، گفت: «اوپک تصمیم های گروهی می گیرد و تکروی نداریم، سیاست اوپک این است که همه اعضا در کنار هم و براساس خرد جمعی تصمیم بگیرند.»

۱۲ | کتبی نو



معجتبی کاوه»

• روزنامه نگار •

هشتمین همایش سیاست های پولی و چالش های بانکداری و تولید را باید فرصت گفتمان شفافتر و صریح تر بین تنورسین های اقتصادی و مسئولان ذی نفوذ در بدنه حاکمیت و تالاشی دوسویه برای ریشه یابی مشکلات و چالش های دیرین و امروز اقتصاد ایران نامید. همایشی که موسی غنی نژاد، محمد نهاوندیان، احمد دوست حسینی، عباس آخوندی، طهماسب مظاهری، سیده فاطمه حسینی، پرویز عقیلی کرمانی، حمید تهرانفر، حجت الله صیدی در پل های آن نظرات خود را مطرح کردند و مسعود نیلی هم در یک سخنرانی چالش های اقتصاد ایران را برشمرد. علی لاریجانی، رئیس مجلس شورای اسلامی هم سخنران این همایش بود. از سوی اقتصاددانان مسعود نیلی، که خود در طراحی برنامه های اقتصادی کلان نقش داشته است، با گفتمانی نقادانه نسبت به رویکردهای دولتی و حاکمیتی در این همایش ظاهر شد. نیلی در سخنرانی خود اظهار کرد: در طول سال های گذشته، نزد بخشی از اقتصاددانان، گفتمانی شکل گرفته که به تنها گفتمان ایجابی اقتصادی کشور بدل شده است.

به گفته نیلی، این گفتمان را می توان با ۱۱ مولفه، شناسایی کرد. مولفه اول و کلیدی، سیاست زدایی از بنگاهداری اقتصادی است که لازمه غیرسیاسی اداره شدن بنگاه ها و خصوصی بودن آن هاست. مولفه دوم، آزادی بنگاه اقتصادی در قیمت گذاری و انتخاب فرایندهای موثر بر کیفیت محصول است. سه مولفه بعدی، «تعامل بنگاه داخلی با بنگاه های معتبر خارجی»، «برقراری قاعده مالی بر رفتار مالی دولت» و «برقراری انضباط پولی و مالی به منظور دستیابی به تورم پایین» هستند. مولفه ششم گفتمان معرفی شده از سوی مسعود نیلی، «علاج تورم از طریق انضباط پولی و نه از راه تعیین دستوری قیمت» است. مولفه هفتم گفتمان ایجابی اقتصاد ایران، «اجتناب از نظام چند نرخی و برقراری نرخ از واحد» است و «اصلاح بازار انرژی به منظور حفاظت از محیط زیست و جلوگیری از هزرویی»، مولفه هشتم این گفتمان به مساب می آید. سه مولفه دیگر این گفتمان نیز «تبدیل یارانه های ضمنی قیمتی به پرداخت های صریح، غیر مشروط و سراسری درآمدی برای کاهش فقر»، «حذف اتکای بانک ها به بانک مرکزی» و «اعمال قید سخت گیرانه شفافیت و حذف تمرکز در تخصیص منابع برای جلوگیری از فساد» هستند. از نظر نیلی، این ۱۱ مولفه، شروط لازم برای بهبود پایدار در وضعیت اقتصادی کشور هستند که نقض حتی یک مورد از آن ها، مانع از کارکرد مناسب اقتصاد خواهد شد.

در کنار این گفتمان، نیلی از «ویژگی های نهادی اقتصاد ایران» سخن گفت که نه برآمده از اصول ثابت شده علمی، بلکه ناشی از قواعد نانوشته سیاست گذاری است؛ قواعدی که نه در سندی نوشته شده اند و نه از سوی سیاست گذار با تصمیم گیر بر آن تاکید می شود. نیلی برای شناسایی این قواعد، مشخصه ها و پیش فرض های حاکم بر اقتصاد ایران را معرفی کرد؛ قواعدی همچون ثروت اقتصادی در محدوده حکمرانی سیاسی باید حفظ شود یا اینکه امکان شکل گیری تعامل پایدار و رسمی بین بنگاه های داخلی و بنگاه های معتبر خارجی وجود نداشته است.

■ **ریشه تاریخی و فرهنگی نگرانی از بنگاهداری دولت**
علی لاریجانی، رئیس مجلس شورای اسلامی نیز در سخنان خود بنگاهداری دولت را دارای ریشه های تاریخی دانست و اظهار کرد: «با بررسی در آرای شهید مدرس در حوزه اقتصادی، به این نتیجه رسیدم که در دوران مشروطه، شهید مدرس همین نگرانی را که دکتر نیلی در باره چالش بنگاهداری دولتی مطرح کردند، داشتند. بررسی تاریخی این چالش نشان می دهد که همه این معضل ها به سیاست گذاران بازمی گردد و باید به ریشه های فرهنگی این موضوع بپردازیم، زیرا سیاست گذاران هم از مردم هستند. مجلس حتی در سال های گذشته، اصل ۴۴ قانون اساسی را مورد پیگیری قرار داد و قانونی را برای واگذاری امور به بخش خصوصی تدوین کرد، اما متأسفانه این قانون به درستی اجرایی نشد.» لاریجانی در ادامه با بیان اینکه برخی این

موضوع و ایده را مطرح می کنند که دولت مخالف گسترش بخش خصوصی است، گفت: «ممکن است رها کردن کار برای برخی از شرکت های دولتی سخت باشد، اما حکمرانان چنین تصویری ندارند که اگر بخش خصوصی فربه شود، مشکلی برای آنان به وجود می آید. نقش دولت بسترسازی برای ایجاد رقابت سالم در اقتصاد است به این معنا که شرایط در کشور به نحوی باشد که هر فرد در هر نقطه از کشور بتواند در فضای رقابتی حضور یابد.»

■ فقدان نهاد متولی توسعه در ایران

رئیس مجلس شورای اسلامی ادامه داد: «در شرایط کنونی ما نهاد متولی برای توسعه کشور نداریم از این روزا وقتی که سازمان برنامه با بودجه ترکیب شد عملاً وجه توسعه ای سازمان کم رنگ و این نهاد رو بگرد بودجه ای به خود گرفت، بنابراین مسائل مرتبط با بودجه باید به وزارت اقتصاد واگذار شود.» لاریجانی افزود: «تمام اذهان باید روی موضوعاتی از جمله وضعیت صندوق های بازنشستگی، وضعیت بانک ها و استقلال بانک مرکزی متمرکز شود، البته مجلس یک مرتبه طرخی را برای استقلال بانک مرکزی تدوین کرد که این طرح با مخالفت شورای نگهبان مواجه شد.»

بیژن عبدی:

به رغم چندین دهه

از طرح نظیر افزایش

میزان کار مزد و

جایگزین کردن آن

با سودهای حاصل از

دلالتی و فعالیت های

غیرمولد در بانک ها،

اما باز بانک ها مسیر

خود را طی می کنند

■ نیاز کشور به معجزه اقتصادی تولید

حسین صمصامی، کارشناس اقتصادی با اشاره به بی انضباطی های مالی و پولی در کشور که به زعم وی عامل اساسی بسیاری از مسائل کشور است، به «آینه نو» می گوید: «مسائلی در این همایش مطرح شده است که مشکلات اساسی اقتصاد ماست. اما باید دید چه کسی مسبب این اوضاع است. هشدارهای بی دربی اقتصاددانان در رابطه با افزایش نقدینگی و اثر آن بر تورم در ادوار مختلف هیچ گاه موثر واقع نشد. پس از گذشت چندین سال از سوده های بالای بانکی و رقابت در پرداخت سود بین بانک ها با وجود نبود سود واقعی که اثر مستقیمی در ایجاد ناترازی در ترازنامه بانک ها و افزایش میزان نقدینگی در کشور داشت، سیاست گذاران عرصه پولی و بانکی به کاهش نرخ سود رضایت دادند، بدون آنکه پیش زمینه ها و مقدمات این کار را فراهم کنند. از زمانی که نرخ سود پایین آمد تا وقتی که نقدینگی به بازارها هجوم آورد، بیش از یک سال دولت فرصت داشت، زمینه هدایت نقدینگی به تولید را مهیا کند، اما سیاستی موثر در این زمینه اتخاذ نکرد و برای کاهش نرخ سود

تسهیلات که بنا بود پس از کاهش نرخ سود سپرده ها، دنبال شود، گامی برداشته نشد. حالا نقدینگی سر از بازار مسکن، خودرو، طلا، سکه و دلار درآورده و خروج از آن شاید نیاز به یک معجزه اقتصادی داشته باشد.» صمصامی منظور از معجزه اقتصادی را چنین توضیح داد: «منظور از معجزه اقتصادی، تشویق تانوعتامومی کموکاست تولیدو اعطای تمام مشوق های لازم به آن است. به این معنی که دولت از تمامی منافع حاصل از مالیات ستانی از تولید و درآمدهایی که به سبب فعالیت های تولیدی به دست می آورد، چشم پوشی کند. از سویی، این معجزه اقتصادی هم زمان با مشوق دهی به تولید باید با کنترل شدید دلالتی و واسطه گری همراه باشد. در واقع، راه مالیات ستانی باید از تولید به سمت بازارهای دلالتی خودرو، ارز، سکه و... کج شده و از تمامی فعالیت های کاذب و غیرمولد، مالیات اخذ شود. این روش در اقتصاد، «مالیات برعایدی سر سرمایه» نامیده می شود که در کشورهای سرمایه داری نیز به کار گرفته می شود و در شرایط خاص اقتصادی که در آن قرار داریم برای ایران نیز مثمرتر است.»

■ رابطه منافع دولت ها و بانک ها با اصلاحات اقتصادی

وی با بیان اینکه منافع بنگاهداری بانک ها و بنگاهداری برخی زیرمجموعه های دولت و نهادهای در تناقض با این اقدامات و اصلاحات است، می گوید: «لازمه این معجزه اقتصادی، چشم پوشی از منافع بنگاه های زیرمجموعه و چشم پوشی بانک ها از سوده های حاصل از حضور آن ها در بازارهایی چون مسکن و ارز و دیگر فعالیت های اقتصادی خارج از اصول بانکداری است. سوال اینجاست که چه کسی

در برابر این سیل عظیم سودجویان پرنفوذ مقاومت خواهد کرد؟ یا چه کسی قادر به مقابله با این جمعیت عظیم دلال است؟ با این فرض که کسی قادر به این کار باشد باز هم سیستم فعلی بانکی عاجز از این تغییرات است. به رغم چندین دهه از طرح نظر افزایش میزان کار مزد و جایگزین کردن آن با سوده های حاصل از دلالتی و فعالیت های غیرمولد در بانک ها، اما باز بانک ها مسیر خود را طی می کنند. یک تصمیم گیر واقعی و سیاست گذار مصلح از تغییر نمی هراسد. وظیفه دولت آن است که این اصلاحات را بدون هیچ واهمه ای در دستور کار قرار دهد. اصلاح این روند قطعاً پرهزینه و زمان بر است، اما نتیجه بخش خواهد بود.»

■ بی توجهی به اجرایی نشدن قوانین

بیژن عبدی، کارشناس اقتصادی نیز با اشاره به افزایش فاصله طبقاتی و کاهش حجم طبقه متوسط در کشور، به «آینه نو» می گوید: «بین مردم و سیاست گذاران و تصمیم گیران فاصله ایجاد شده است. اثر این شکاف را در کم رنگ شدن توجه به مسائل طبقه متوسط و افزایش فاصله طبقاتی می بینیم. از



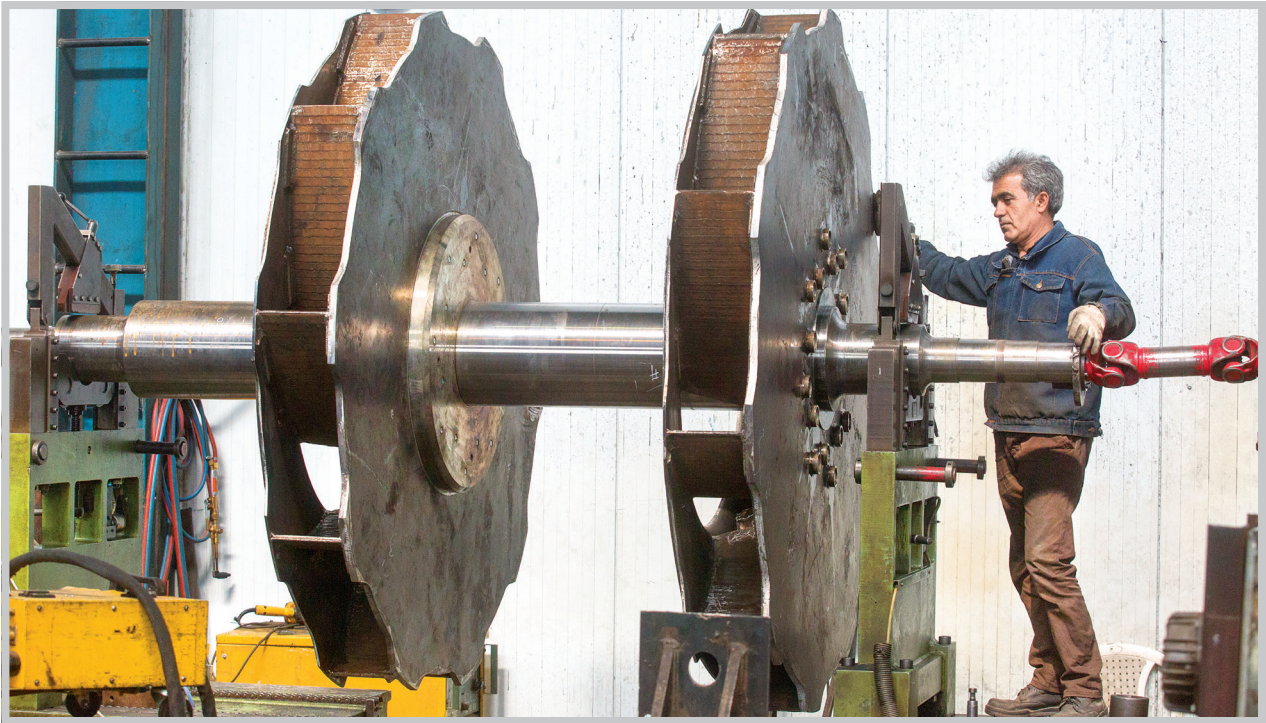
یکشنبه • ۱۵ اردیبهشت ۱۳۹۸ • شماره صد و نود و نه



A T I V E H N O

در هشتمین همایش سیاست های پولی چه گذشت و چقدر می توان به راهکارهای ارائه شده در آن امید بست؟

در جست و جوی نسخه نجات بخش اقتصاد



طرفی نیاز نهادهای تصمیم گیرنده هم فاصله زیادی ایجاد شده است. به هر حال نمی توان منکر آثار محدودیت روابط خارجی بر تولید و اقتصاد کشور بود، اما این محدودیت ها بخش کوچکی از مشکلات اقتصادی را تشکیل می دهد و عمده مشکلات، ریشه در دخالت های ناروا در امور بخش خصوصی و تضاد تصمیم گیری های برخی زیرمجموعه های دولتی با منافع بخش خصوصی دارد. رئیس مجلس در این همایش تاکید کرد اقتصاد رقابتی و تقویت بخش خصوصی را می توان با نظارت دولت، عملیاتی کرد، اما در عمل آنچه حتی در قوانین ما اتفاق می افتد تقویت دولت ها و تضعیف بخش خصوصی است. واقعی شدن بخش خصوصی هرگز به معنی تضعیف حاکمیت و سهم نظارتی دولت نبوده است، اما گویی در عمل دولت حاضر به پذیرش سهم اندک خود در اقتصاد کشور و کاهش زیاده خواهی های بخش های دولتی نیست. که عدم دخالت دولت ها در اقتصاد هرگز به معنی عدم نظارت آن ها یا رسیدگی نکردن به چالش های بازار نبوده است. در اقتصاد ایران دولت های بنگاه دار، نرسونده قوانین و مصوباتی هستند

که سود بنگاه آن ها را رد پی دارد. اگر دولت دست از بنگاهداری بردارد، بخش عظیمی از مشکلات حل خواهد شد.» وی در ادامه با بیان اینکه خود تصمیم گیران به نوعی مانع از اجرای قوانین و مصوبات خود هستند، می گوید: «متأسفانه در هیچ یک از همایش ها و برنامه هایی که در خصوص چالش های اقتصادی کشور برگزار می شود به چرایی عدم اجرای قوانین مصوب اشاره نمی شود. طبیعتاً نقش تصمیم گیران در عدم اجرای این قوانین که در لایه های زیرین اداری، خود را نشان می دهد، روشن است. به عنوان

مثال، دولت ها مانعی بر سر راه استقلال بخش خصوصی هستند یا خود بانک ها در تورم موجود نقش دارند. برای مثال، بررسی میزان واگذاری ها و مدل واگذاری در سازمان خصوصی سازی نشان می دهد، تا چه اندازه واگذاری ها با خطو نشان بخش های غیر خصوصی صورت گرفته است. مثال دیگر، موضوع استقلال بانک مرکزی است که در دولت های مختلف مورد مداخله بوده و کامکان ادامه دارد. در یک دولت، بانک مرکزی مجبور به خلق پول و تأمین مالی عظیم و تورم زا در مسکن مهر می شود و در دولت دیگر دست بانک مرکزی از اصلاح ترازنامه بانک ها و واقعی کردن صورت های مالی آن ها کوتاه می شود.» به نظر می رسد که بین کارشناسان چه کارشناسان حاضر در این همایش و چه کارشناسان غایب در باره راهکارها و دیدگاه های اصلاح سیاست های پولی و روبه رو شدن اصولی با چالش های نظام بانکداری و رونق تولید، اختلاف نظر چندانی وجود ندارد، اما آنچه مهم است اراده لازم در تغییر سیاست های کلان اقتصادی و عقب نشینی از اقتصاد دولتی به نفع بخش خصوصی است.

حسین صمصامی:
راه مالیات ستانی باید از تولید به سمت بازارهای دلالتی خودرو، ارز، سکه و... کج و از تمامی فعالیت های کاذب و غیرمولد، مالیات اخذ شود